

طرح ابتکاری در انتخاب وزرا



پروفسور هاله

چانس غیر قابل تکرار تشکیل کابینه بر مبنای شایسته سالاری در حال عدم وجود موانع حزبی و کنار آمدن دو رقیب انتخاباتی محض به خاطر چند نفر کس و ناکس رایگان از کف رفت وحیف ومیل شد. در حالیکه شرایط از هر نگاه تباهی آور به میراث مانده از دوره حکمروایی قانون ستیز و لجام گسیخته کرزی کاربرد حتمی شیوه ابتکاری شایسته سالاری وعده داده شده از طرف رهبران حکومت وحدت ملی را ایجاب می کرد. چه این یگانه راهی بود که به یاری آن می شد؛

(1) زمینه تطبیق قانون را تضمین و ریشه کن سازی فساد اداری همه جا گیر را فراهم آورد.

(2) با ترتیب برنامه های مورد نیاز، راه را به صوب تحول مطلوب هموار ساخت.

(3) کشور را از حالت سر در گمی ، بی بند و باری، زور گویی، ، خویش خوری، مداخله و سوء استفاده های بیگانه گان نجات داد.

یقین است که با تطبیق این شیوه ابتکاری نه تنها هموطنان ستم دیده بلکه تما شا گران دوست و دشمن از چنان یک اقدام بی سابقه انگشت حیرت به دندان می گرفتند. واقعاً با برداشتن چنین گام متهورانه رهبران حکومت وحدت ملی در دل های هموطنان چون نقش بر سنگ حک می شد. دشمن ها از غم (خون قی) می کردند و تنگ رشوه خواران، قاچاقبران، دهشت افگنان ... وباداران بین المللی شان سست می شد. مگر که هر گاه ادعای شایسته سالاری تنها شکل شعار انتخاباتی را داشته و برای تطبیق عملی آن یک برنامه روی دست گرفته نشده باشد، جز خجالت و رسوایی پیامد دیگری نخواهد داشت. برنامه آن باید شامل اقدامات زیرین می بود:

در گام اول باید معیار های رشته تحصیل، درجه تحصیل، محل تحصیل، سال های تحصیل، سابقه کار مسلکی و مدیریت، قوه ابتکار مبرا از تبعیض گرایی، اخلاق اجتماعی و احساس وطن

دوستی در یک فورمه درج می گردید و وظیفه تطبیق آن به کمیته استخدام وزرا وا گذار می شد.

گام دوم، موضوع گزینش شایسته سالاری با پارلمان در میان گذاشته می شد و پس از موافقه پارلمان به تطبیق آن پرداخته می شد.

گام دیگر، موضوع استخدام وزرا از طریق رسانه ها به مردم اعلان می شد، از داوطلبان احراز مقامهای وزارتخانه ها به شمول اشخاص مورد نظر خود رهبران خواسته می شد که در مدت تعیین شده، در خواستی های شان را یکجا با اسناد مربوط به شایسته گی شان، (طوری که در فورمه تذکر داده شده می بود) به کمیته ویژه وزارت مربوطه می سپردند.

قدم چارم، کمیته های وزارتخانه ها که باید متشکل از شخصیت های دارای صلاحیت های علمی، مسلکی و شهرت پسندیده، مبرا از تبعیض و دارای احساس ملی می بودند، پس از بر رسی دقیق فراخور اهلیت شان نمره داده می شد و نتایج را به کمیته استخدام وزرا می سپردند.

و فرجامین اینکه، کمیته استخدام وزرا در حال حضور داشت رهبران حکومت وحدت ملی از میان داوطلبان بر مبنای درجه بندی شان، وزرا و روسای وزارتخانه ها را انتخاب می نمودند. چه با تغیر حکومتها تنها وزرا و آمران مقامات کلیدی تعویض میگردند وبس. با تطبیق چنین یک طرزالعمل در هیچ وزارتخانه ها اشخاص نا مناسب مقرر شده نمی توانست و در انتخاب وزیر یا روسا برای خویش خوری و و اسطه بازی دیگر مجالی باقی نمی ماند. هم پروسه انتخاب و هم پروسه اخذ رای اعتماد به درازا نمی کشید و ازهمه مهمتر وعده گزینش وزرا مبنی بر شایسته سالاری به وجه احسن ایفا میگردید. در نتیجه هم خداوند و هم ملت و هم وجدان رهبران ملی ازین اجراآت دانشمندانه و عاقبت اندیشانه راضی میگردید. ازهمه مهمتر با تطبیق شیوه شایسته سالاری تیوری اتوپیای مدینه فاضله برای نخست در افغانستان جامه عمل می پوشید.

البته با برون شدن موفقانه رهبران حکومت وحدت ملی از بوته آزمایش گزینش شایسته سالاری نه تنها نامهای شان در تاریخ معاصر کشور با خطوط زرین درج می گردید، بلکه بسیار احتمال داشت که مردمان کشور های دیگر این شیوه ابتکاری گزینش اعضای کابینه را به مثابه " پروتو تایپ" یا الگو قرار می دادند. در نتیجه در نحوه تشکیل کابینه در سده بیست ویکم، یک انقلاب رونما می گردید. دران صورت تمام جهان از شر گزینش خلاف شایسته سالاری رهایی می یافت و افغانستان به حیث بانی نظام نو در سده نو مورد احترام جهانی قرار می گرفت.

زیرا راه را برای خلاصی تعیین اعضای شورا (شوراهای حزبی) از طرف غولهای زر و زور و تعیین وزرا از طرف احزاب و اخذ رای اعتماد از شورای حزبی هموار می ساخت .

مگر افسوس و صد افسوس که خود خواهی جبلی افغانی و تبعیض گرایی تحمیل کرده اجانب قوه تعقل، کار شناسی و سرعت عمل رهبران حکومت وحدت ملی (این مدعیان دانش گرایی و ملی گرایی) را گرو گان گرفت. در نتیجه نتوانستند در مدت بیشتر از صد روز، بیست و چار وزیر را در چار چوب شایسته سالاری وعده داده گی برگزینند. آنها درین مدت طولانی وزیرانی را بر گزیدند که دو ثلث آنها نتوانستند، از پارلمان رای اعتماد بگیرند. همان بود که پروسه گزینش وزرا و اخذ رای اعتماد دستخوش دور تسلسل گردید. به این معنی که با فرا رسیدن رخصتی زمستانی اعضای پارلمان، معرفی وزرا ی جا گزین وزرای رد شده، و اخذ رای اعتماد آنها از پارلمان ممکن است چند ماه دیگر را در بر گیرد. این امر نه تنها بر حیثیت و آبروی رهبران حکومت وحدت ملی لطمه شدید وارد خواهد کرد، بلکه با بر جا ماندن وزرا و معینان مفسد دوره کرزی به حیث سرپرست (غیر مسئول و فاقد برنامه) امور کشور دستخوش وخامت روز افزون خواهد شد و ملت بهای جبونی و سهل انگاری رهبران را خواهد پرداخت.

کوتاه سخن در روزگاران ما (سده بیست ویکم) پیشبرد امور وزارتخانه ها ایجاب کاربرد تکنوکراسی (مسلک گرایی) و بوروکراسی (سلسله مراتب و مهارت اداری) را می نماید. هر گاه وزیر یک اداره هم تکنو کرات و هم برو کرات نباشد، کارمندان از ضعف فنی و یا اداری یا هر دوی آن سوء استفاده می کنند و حال کشور و رهبران کشور زار خواهد گردید. چنانچه نمونه بارز آن ، حکومت حامد کرزی می باشد. حکومت وحدت ملی باید از آن عبرت می گرفت و از امثال آن فرسخ ها دوری می گزید.

خیره سران پند نگیرند، هنوز هم
هی صحنه می زنند، گُنشِ ناروای خویش
تا تکیک گاه خویش نمودیم، غیر او
ایزد نمود حواله، پیاپی بلای خویش
زنگار جهل تا نزداییم، زلوح دل
روشن حریم آن نشود، از ضیای خویش
ما پاره های آهَنیم اندر بساط خاک
دوستی هموطن کنیم، آهن ربای خویش
تا دست هموطن نفشاریم، به دوستی

تا روز حشر، حل نکنیم ماجرای خویش
سالها در جلای وطن دست و پا زنیم
تا از میان خود نبریم، ما جلای خویش
آغاز را سرشته خدا، در رضای خلق
انجام را گره زده است، با رضای خویش
بالتر از رضای خدا نیست نعمتی
" هاله " رضای او طلبد در دعای خویش